

شناسایی و ساختاردهی موانع توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش از منظر معلمان مرد شرکت کننده در مسابقات علمی فرهنگی ورزشی

حامد حسین پور^۱، علی محمد امیرتاش^۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تحلیل موانع توسعه دوره های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش طراحی گردید. تحقیق حاضر از نوع، تحقیقات توصیفی تحلیل می‌باشد که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی معلمان شرکت کننده در بیست و هشتمین دوره رقابت‌های علمی و تخصصی آموزش و پرورش کشور بود. بر اساس گزارش های کسب شده تعداد این افراد شامل ۱۹۲ معلم ورزش مرد بود. بر اساس انتخاب تمام شمار تمامی این افراد به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. ابزار تحقیق حاضر یک پرسشنامه محقق ساخته بود. در جهت ساختاردهی به موانع موثر بر توسعه دوره های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش از روش مدل سازی ساختاری تفسیری و همچنین روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در کل ۶ عامل (مدیریتی، زیرساختی، آموزشی، فرهنگی، مالی و فردی) ۸۳/۵۸۹ درصد از واریانس کل سوالات را در بر گرفت. نتایج همچنین نشان داد که موانع آموزشی و مدیریتی جزو موانع مستقل کلیدی می‌باشد که سبب تاثیرگذاری بر سایر موانع می‌گردد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که توجه به مسائل آموزشی و مدیریتی در خصوص دوره های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش می‌توان امید داشت تا شرایط جهت بهبود این دوره ها بهبود یابد.

کلید واژه ها: مدیریت، آموزش، فوق برنامه، معلم تربیت‌بدنی، برنامه های ورزش.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲. استاد گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، pejoohesh@gmail.com

دریافت: ۹۷/۹/۲۶ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش، به عنوان یک سازمان مهم، سهم قابل توجهی از بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اهمیت و نقش تعلیم و تربیت، به خصوص در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، ضروری است در جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش، فعالیت‌های اساسی صورت گیرد تا از به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود (سبحانی نژاد، نجفی و نورآبادی، ۱۳۹۶، ۲۶). آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار شناخته شده است (هاینز و زدرویک^۱، ۲۰۱۸، ۵۵). هر کشوری در جهان، بخش بزرگی از درآمد ملی خود را برای گسترش و بهبود کارآیی آن اختصاص می‌دهد. در واقع آموزش و پرورش رکن اساسی جوامع انسانی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل مؤثر در بهبود کارکرد این نهاد، پیدا کردن نقاط قوت و ضعف آن و ایجاد تغییرات مفید با توجه به نیازهای جامعه از ضروریات است (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۳). آموزش و پرورش به‌عنوان بالاترین مرجع و سازمان حاکم بر ورزش مدارس در کشور، وظیفه توسعه و ترویج آن را بر عهده دارند. موفقیت آموزش و پرورش در این زمینه به اشاعه ورزش در مدارس گره خورده است. امروزه ورزش این پتانسیل را دارد که تاثیر مهمی بر جامعه بگذارد (کریستنسن و سورنسن^۲، ۲۰۰۹، ۱۱۷).

در حالی که ورزش فواید متعددی برای شرکت کنندگان در سراسر جهان فراهم می‌سازد، اما سطح مشارکت ورزشی رو به کاهش و یا راکد رفته است (چالپ^۳، ۲۰۰۶، ۲۰). برای تمامی افراد مشخص است که افزایش مشارکت های ورزشی در سطح جامعه می‌تواند سبب توسعه سلامت، مسائل اقتصادی و اجتماعی گردد (وانگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۴، ۹۰). مطالعات بسیاری نشان داده است که مشارکت های ورزشی به صورت نابرابر در گروه‌ها و جوامع مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که مردان نسبت به زنان مشارکت ورزشی بیشتری دارند و یا جوانان و نوجوانان مشارکت ورزشی بیشتری نسبت به افراد بزرگسال را دارا می‌باشند. این مساله در تحقیقات مختلفی به اثبات رسیده است اما این مساله را نمی‌توان در تمامی جوامع و کشورها تایید نمود (ایواساکی^۵ و همکاران، ۲۰۰۷، ۱۱۳). مرکز آمار کشور آمریکا در سال ۲۰۰۹ اعلام نمود که مشارکت ورزشی مردان این کشور ۳۹ درصد می‌باشد، این در حالی بود که مشارکت زنان ۲۳ درصد می‌باشد. همچنین این مرکز اعلام نمود که با افزایش مشارکت ورزش کاهش می‌یابد. به عنوان مثال در کشور آمریکا مشارکت ورزشی افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله ۴۲ درصد است و مشارکت ورزشی افراد ۴۵ تا ۵۴ سال ۲۳/۹ درصد می‌باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۰۴، ۹۰).

یکی از راهکارهای بهبود مشارکت های ورزشی در میان گروه‌های مختلف، ارتقا وضعیت برنامه‌های اوقات فراغتی می‌باشد. برنامه‌های اوقات فراغتی به عنوان یک مساله مهم و اساسی نقش مهمی در بهبود برخی جنبه‌های ورزشی در میان افراد می‌باشد. به عبارتی تقویت برنامه‌های اوقات فراغتی سبب می‌گردد تا بتوان به نهادینه شدن ورزش در میان گروه‌های مختلف منجر گردد (داگکاس^۶، ۲۰۱۸، ۶۸). یکی

^۱ Heinze & Zdroik^۲ Christensen & Sorensen^۳ Chalip^۴ Wang^۵ Iwasaki^۶ Dagkas

از ویژگی‌های آموزش و پرورش پیشرفته و مدرن، توجه ویژه به فعالیت‌هایی است که معلمان در بیرون از کلاس و مدرسه انجام می‌دهند. این قبیل فعالیت‌ها بدون شک در رشد معلمان مؤثر هستند. بر دستگاه تعلیم و تربیت هر کشوری واجب است در راستای این مهم وارد عرصه شده و زمینه‌های اجرایی این فرایند را فراهم بیاورد (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۸). فعالیت‌های فوق برنامه معلمان در صورتی که مورد تقویت قرار گیرد می‌تواند سبب ارتقای وضعیت عملکردی معلمان گردد. از این رو توسعه برنامه‌های فوق برنامه نقش مهمی در گسترش و توسعه دستیابی آموزش و پرورش به اهداف تربیتی و آموزشی خود دارد. کیفیت برنامه‌های فوق برنامه ویژه معلمان در آموزش و پرورش یکی از اهداف نظام‌های تربیتی در کشورهای پیشرفته می‌باشد. این رو در این کشورها همواره تلاش در تقویت برنامه‌های فوق برنامه در آموزش و پرورش وجود دارد (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۴).

یکی از انواع فعالیت‌های فوق برنامه، فعالیت‌های ورزشی و گسترش آن در میان گروه‌های مختلف می‌باشد. بهبود مشارکت ورزشی که به واسطه توسعه برنامه‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش انجام می‌گیرد سبب بهبود وضعیت جسمانی و روانی دانش آموزان (رتینگ و هو، ۲۰۱۶، ۴۲۹) و معلمان (کریک^۱، ۲۰۰۵، ۲۴۱) می‌گردد. فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در مدارس به عنوان راهکاری ارزشمند در جهت توسعه پایدار ورزش در جامعه می‌باشد (ماسی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۹). داگکاس^۳ (۲۰۱۸) اشاره دارد که توسعه ورزش در مدارس در میان دانش آموزان و معلمان سبب خواهد گردید تا فرهنگ‌سازی ورزش در جامعه به شکل مناسبی انجام گردد. شناخت علل و عواملی که توسعه فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، می‌تواند موجب تدوین راهکارهایی جهت مشارکت هر چه بیشتر دانش آموزان و معلمان در این برنامه‌ها و در نتیجه ارتقاء سطح تندرستی و سلامت روانی و جسمانی آنان شود (گوئست^۴، ۲۰۱۸، ۴۲).

با توجه به اهمیت ورزش و توسعه فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش نیاز به انجام تحقیقات جامع در خصوص عوامل موثر بر توسعه این فعالیت‌ها در هر جامعه‌ای نیاز می‌باشد. این در حالی است که در برخی تحقیقات به این مساله اشاره شده است. مییر، هارتمن و لارسون^۵ (۲۰۱۸) اشاره داشتند که بهبود مسائل زیرساختی از جمله مراکز تخصصی ورزشی از جمله عوامل توسعه فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در مدارس می‌باشد. رودریگوز، پادز و ماچادورودریگوئز^۶ (۲۰۱۷) و دیرینگر و جاج^۷ (۲۰۱۵) نیز اشاره داشتند که برخی مشکلات مربوط به امکانات و تجهیزات سبب بروز مشکلات در مسیر فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی می‌گردد. از طرفی رینر^۸ و همکاران (۲۰۱۵) به مسائل مربوط به فرهنگ در جهت توسعه فعالیت‌های فوق برنامه اشاره داشتند و پی بردند که موانع مربوط به فرهنگ‌سازی اولین مشکل و

^۱ Rettig & Hu

^۲ Krik

^۳ Massey

^۴ Dagkas

^۵ Guest

^۶ Meier, Hartmann & Larson

^۷ Rodrigues, Padez & Machado-Rodrigues

^۸ Dieringer & Judge

^۹ Rainer

معضل در مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی می‌باشد. پوماهاسی و سوبا^۱ (۲۰۱۷) نیز مشخص نمودند که آموزش به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه فعالیت‌های اوقات فراغتی می‌باشد. عدم انجام تحقیقات جامع در این حوزه و همچنین نبود تحقیقات تخصصی به خصوص در کشور ایران سبب گردیده است تا خلا تحقیقاتی در این حوزه به خوبی شکل گیرد. عدم بررسی‌های جامع در جهت شناسایی موانع موثر بر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب گردیده است تا توسعه این فعالیت‌ها در آموزش و پرورش از رویه علمی برخوردار نباشد و تمامی جوانب در مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی مورد بررسی قرار نگیرد. از این رو در جهت توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش نیاز به بررسی‌های علمی در مسیر شناسایی موانع موثر بر توسعه این فعالیت‌ها به خوبی درک می‌گردد. به نظر می‌رسد عدم بررسی‌های جامع در این حوزه سبب خواهد شد تا مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش با مخاطرات جدی مواجه باشد که این سبب تاثیرگذاری بر اهداف عالی ورزش در آموزش و پرورش خواهد بود. بدون شکل در جهت توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی موانع‌ای وجود دارد که شناسایی این موانع نمی‌تواند به صورت صرف به بهبود دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی منجر گردد. بدون شک موانع موجود در این حوزه می‌توانند بر یکدیگر تاثیر گذاشته و سبب ایجاد تقدم و تاخر در میان موانع گردد و حتی در برخی شرایط سبب شکل‌گیری برخی موانع گردد. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری از جمله روش‌های مهم می‌باشد که جهت پاسخگویی به این مساله ایجاد شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و بهم مرتبط در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد^۲، ۱۹۷۴، ۵۳). این روش به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید (فایسال^۳، ۲۰۰۶، ۵۳۵). یکی از اصلی‌ترین منطبق‌های این روش آن می‌باشد که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این متدولوژی بدست می‌آید، ساختاری از یک مساله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی بدقت طراحی شده می‌باشد (فایسال، ۲۰۰۶، ۵۳۶). این مساله سبب گردیده است تا نیاز به ساختاردهی این موانع جهت بررسی تاثیرات متقابل این موانع بر یکدیگر جهت انجام تحلیل‌های مناسب و علمی‌تر ضروری باشد. با توجه به خلا تحقیقاتی در این حوزه نیاز است تا تحقیقات جامع این مساله را مورد پوشش قرار دهند. با این توجه تحقیق حاضر با هدف تعیین موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش طراحی و اجرا گردید. با این توجه سوال تحقیق حاضر این می‌باشد که موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش چه می‌باشد؟ میزان اهمیت هر یک از این موانع به چه صورت می‌باشد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع، تحقیقات توصیفی تحلیلی می‌باشد که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری این تحقیق تمامی معلمان ورزش اگاه به مسائل ورزشی در مدارس و آموزش و پرورش می‌باشد. با توجه به اینکه هر ساله مسابقات کشوری معلمان ورزش در حوزه

^۱ Pomohaci & Sopa

^۲ -Warfield

^۳ -Faysal

علمی و عملی انجام می‌گیرد و استان‌های کشور، معلمان خبره خود در بعد علمی و عملی را به این مسابقات اعزام می‌نمایند، از این رو جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی معلمان شرکت‌کننده در بیست و هشتمین دوره رقابت‌های علمی و تخصصی معلمان تربیت‌بدنی آموزش و پرورش کشور در سندج بود. بر اساس گزارش‌های کسب شده تعداد این افراد شامل ۱۹۲ معلم ورزش مرد بود. بر اساس انتخاب تمام شمار تمامی این افراد به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. در نهایت پس از پخش و جمع‌آوری پرسشنامه‌های تحقیق، تعداد ۱۵۴ پرسشنامه سالم، جمع‌آوری گردید. میانگین سنی نمونه‌های تحقیق شامل ۳۶/۶ و انحراف استاندارد ۲/۲۴ بود.

ابزار تحقیق حاضر پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود. این پرسشنامه به بررسی موانع توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش پرداخته بود که دارای ۲۵ سوال بود که شامل ۲۵ مانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش بود. در جهت شناسایی این موانع از مطالعه جامع منابع و همچنین بررسی نظرات خبرگان در قالب روش دلفی^۱ استفاده گردید. اعضای تیم دلفی در تحقیق حاضر برخی خبرگان و معلمان آگاه به حوزه فوق‌برنامه در ورزش مدارس بودند که تعداد آنان شامل ۷ نفر بود. بدین منظور در دور اول روش دلفی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جهت شناسایی و تعیین موانع اولیه استفاده گردید. بدین منظور محقق با انجام برخی مصاحبه‌ها و تحلیل یافته‌های ناشی از مصاحبه‌ها برخی موانع اولیه را مشاهده و استخراج نمودند. در جهت شناسایی این موانع اولیه محقق نیز برخی موانع مستخرج از مطالعات نظری خود را نیز ارائه داد. در نهایت در پایان دور اول روش دلفی و انجام مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد ۱۷ مانع اولیه؛ به عنوان موانع توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش مشخص و شناسایی گردید. سپس با بررسی و انجام روش دلفی در مرحله اول، تعداد ۸ مانع دیگر از منظر خبرگان به موانع شناسایی شده اضافه گردید. این ۸ مانع از جمله موانعی می‌باشد که از منظر خبرگان، مربوط به شرایط و ویژگی‌های کشورهای ایران می‌باشد. سپس در مرحله دوم روش دلفی، ۲۵ مانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش شناسایی شده، مورد اتفاق نظر خبرگان رسید و در نهایت این ۲۵ مانع، به عنوان موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش و پرورش مشخص شد. بنابراین روش دلفی در تحقیق حاضر در دو مرحله انجام گردید. این موانع قبل از شروع مسابقات در فرایند یک ماهه شناسایی و نهایی گردید. خروجی روش دلفی پرسشنامه‌ای بود که جهت پخش در حین مسابقات ورزشی مدنظر طراحی گردید. در جهت ساختاردهی به موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش بر اساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بود. این پرسشنامه به مقایسه دو به دو ۶ مانع کلی شناسایی شده در تحقیق حاضر بر اساس استانداردهای این روش پرداخته بود. روایی محتوایی این پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در خصوص روایی محتوایی این پرسشنامه‌ها نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۷ نفر)، ۰/۹۹ و مقدار CVI ، ۰/۹۹ برای پرسشنامه‌ها به دست آمد. بنابراین روایی محتوایی پرسشنامه‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. روش انجام تحقیق حاضر جهت ساختاردهی به موانع شناسایی شده، روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری می‌باشد. این مدل دارای ۵ گام اصلی شامل ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری، به دست آوردن ماتریس دست‌یابی، تعیین سطح و ماتریس استاندارد، تشکیل مدل ساختاری تفسیری و تحلیل MicMac می‌باشد.

^۱ Delphi method

بدین جهت در جهت انجام روش آماری تحلیل عاملی اکتشافی از نرم افزار SPSS استفاده گردید. در جهت بررسی و تحلیل روش مدل سازی ساختاری تفسیری از نرم افزار MicMac استفاده گردید.

یافته ها

نتایج توصیفی تحقیق حاضر نشان داد که گروه سنی ۳۰-۴۰ سال با فراوانی ۵۲ درصد بیشترین فراوانی را دارا بود. همچنین نتایج توصیفی تحقیق مشخص نمود که سطح تحصیلات کارشناسی ارشد با حدود ۶۱ درصد بیشترین فراوانی را در میان نمونه های تحقیق شامل گردید. در جهت استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی؛ در ابتدا، جهت بررسی کفایت حجم نمونه برداری از آزمون کفایت نمونه برداری کیز-می-یر-الکین استفاده شد که میزان این آزمون ۰/۸۵۲ بدست آمد که نشان گر مناسب بودن میزان این آماره است. سپس برای اینکه مشخص شود همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلست استفاده شد که نتایج این آزمون در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در کل ۶ عامل (مدیریتی، زیرساختی، آموزشی، فرهنگی، مالی و فردی) ۸۳/۵۸۹ درصد از واریانس کل سوالات را در بر گرفت. جدول شماره ۱ نتایج بارعاملی مربوط به هر گویه، و دسته بندی موانع را نشان می دهد.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی

ردیف	گویه ها	موانع مدیریتی	موانع زیرساختی	موانع آموزشی	موانع فرهنگی	موانع مالی	موانع فردی
۱	نبود نظارت بر برنامه های ورزشی موجود	۰/۸۸۵					
۲	عدم نیازسنجی از ذینفعان در جهت طراحی دوره های فوق برنامه ورزشی	۰/۸۱۷					
۳	عدم توانایی و مهارت نیروی انسانی در پیشبرد اهداف دوره های فوق برنامه ورزشی	۰/۷۵۳					
۴	عدم برخورداری از برنامه ریزی و طرح ریزی در ارتباط با دوره های فوق برنامه ورزشی	۰/۷۱۰					
۵	عدم استفاده از نیروی انسانی متخصص در طراحی و پیاده سازی برنامه های فوق برنامه ورزشی	۰/۶۵۲					
۶	نبود جذابیت های محیطی در جذب دانش آموزان به دوره های فوق برنامه ورزشی	۰/۶۰۳					

ردیف	گویه ها	موانع مدیریتی	موانع زیرساختی	موانع آموزشی	موانع فرهنگی	موانع مالی	موانع فردی
۷	عدم آگاهی مسئولین آموزش و پرورش از خला‌های موجود ورزشی در مدارس کشور		۰/۸۵۲				
۸	فقدان تفکیک‌سازی اماکن ورزشی موجود در رشته‌های ورزشی مختلف		۰/۸۱۴				
۹	عدم تاسیس امکانات ورزشی جدید		۰/۷۳۹				
۱۰	فقدان تعمیر و با‌زینی تجهیزات جدید ورزشی		۰/۶۲۱				
۱۱	فقدان ایمن‌سازی اماکن ورزشی موجود در مدارس		۰/۵۵۹				
۱۲	نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان			۰/۸۲۹			
۱۳	نبود سیستم استعدادیابی در ورزش آموزش و پرورش			۰/۷۶۳			
۱۴	نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان			۰/۶۲۸			
۱۵	عدم استفاده از کتب و فیلم‌های آموزشی در دوره‌های فوق برنامه ورزشی			۰/۵۵۱			
۱۶	پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان				۰/۷۴۱		
۱۷	پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان				۰/۶۹۸		
۱۸	فقدان استفاده از برخی مربیان و چهره‌های ورزشی مشهور در جهت حضور نمایدن در دوره‌های فوق برنامه ورزشی				۰/۵۵۸		
۱۹	پایین بودن میزان جذابیت ورزش در میان دانش‌آموزان				۰/۴۷۸		
۲۰	تقسیم ناعادلانه بودجه مدارس در جهت امور ورزشی و غیرورزشی					۰/۷۷۱	
۲۱	فقدان بستر جذب حامیان مالی در ورزش آموزش و پرورش					۰/۷۳۲	
۲۲	وجود مشکلات مالی در جهت پیشبرد اهداف دوره‌های فوق برنامه ورزشی					۰/۵۸۹	

ردیف	گویه ها	موانع مدیریتی	موانع زیرساختی	موانع آموزشی	موانع فرهنگی	موانع مالی	موانع فردی
۲۳	افزایش جذابیت‌های برخی فعالیت‌های غیرورزشی در میان دانش‌آموزان						۰/۷۹۹
۲۴	میزان مهارت پایین دانش‌آموزان در انواع ورزش‌ها						۰/۵۹۷
۲۵	تغییر در سبک زندگی دانش‌آموزان						۰/۵۳۰

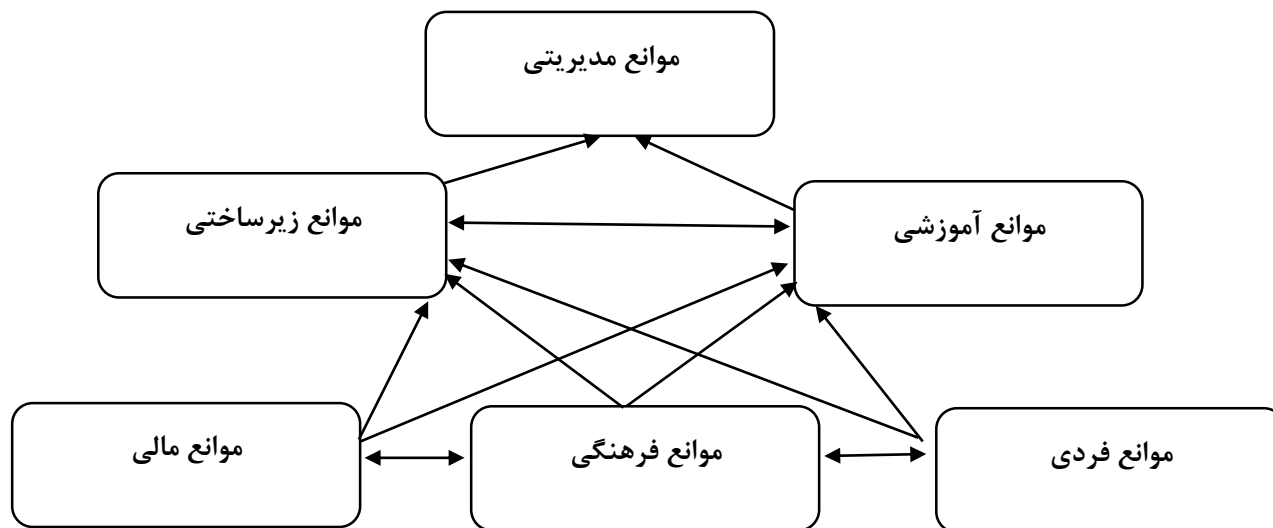
همان‌طور که نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد، تعداد ۶ مانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش وجود دارد. در این بین نبود نظارت بر برنامه‌های ورزشی موجود با بار عاملی ۰/۸۸۵، مهمترین گویه موانع مدیریتی؛ عدم آگاهی مسئولین آموزش و پرورش از خلا موجود ورزشی در مدارس کشور با بار عاملی ۰/۸۵۲، مهمترین گویه موانع زیرساختی؛ نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان با بار عاملی ۰/۸۲۹، مهمترین گویه موانع آموزشی؛ پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان با بار عاملی ۰/۷۴۱، مهمترین گویه موانع فرهنگی، تقسیم ناعادلانه بودجه مدارس در جهت امور ورزشی و غیرورزشی با بار عاملی ۰/۷۷۱، مهمترین گویه موانع مالی و نهایتاً افزایش جذابیت‌های برخی فعالیت‌های غیرورزشی در میان دانش‌آموزان با بار عاملی ۰/۷۹۹، مهمترین گویه موانع فردی می‌باشد. از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری در جهت ساختاردهی به موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش استفاده گردید. در این تحقیق ۶ مانع شناسایی شده شامل موانع مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی، آموزشی، فردی و مالی به عنوان معیارها و عناصر مدنظر در مرحله اول روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مورد استفاده قرار گرفت. در ادامه تحقیق در جهت انجام روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، از ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری استفاده گردید. جدول ۲ سطح مربوط به هر یک از موانع را نشان می‌دهد که سطح بندی‌های انجام شده بر اساس خروجی‌ها و ورودی‌های انجام شده می‌باشد.

جدول ۲. تعیین سطح موانع شناسایی شده

مرحله	موانع	ورودی	خروجی	مشترک	سطح
مرحله اول	موانع مالی	۵-۳-۱	۶-۵-۴-۳-۱	۵-۳-۱	۱
	موانع فردی	۵-۴-۳-۲	۶-۵-۴-۳-۲	۵-۴-۳-۲	۱
	موانع زیرساختی	۵-۴-۳-۲-۱	۶-۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲-۱	
	موانع آموزشی	۵-۴-۳-۲-۱	۴-۳-۲	۴-۳-۲	
	موانع فرهنگی	۵-۲-۱	۵-۴-۳-۲-۱	۵-۲-۱	۱
	موانع مدیریتی	۶-۳-۲-۱	۶	۶	۶

۲	۴-۳	۶-۴-۳	۴-۳	موانع زیرساختی	مرحله دوم
۲	۴-۳	۴-۳	۴-۳	موانع آموزشی	
	۶	۶	۶-۳	موانع مدیریتی	
۳	۶	۶	۶	موانع مدیریتی	مرحله سوم

با توجه به نتایج جدول ۳، مشخص گردید که ۳ سطح کلی، در تحقیق حاضر وجود دارد که این سطوح در قالب مدل در شکل ۱ به نمایش گذاشته است.



شکل شماره ۱. مدل ساختاری تفسیری موانع

شکل شماره ۲، تحلیل Micmac در تحقیق حاضر را به نمایش گذاشته است.

ورزشی در آموزش و پرورش از منظر معلمان مرد شرکت کننده در مسابقات علمی فرهنگی ورزشی طراحی و اجرا گردد. با این توجه نتایج تحقیق حاضر نشان داد که ۶ مانع مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی، آموزشی، مالی و فردی نقش مهمی در توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش دارا بود. در تحقیقات اندکی به بررسی موانع توسعه این دوره‌ها پرداخته شده است. پوماهاسی و سوپا (۲۰۱۷) اشاره داشتند که موانع فرهنگی، مدیریتی و تجهیزاتی نقش مهمی در پیاده‌سازی اهداف ورزشی در مدارس دارا بود. دیرینگر و جودگی (۲۰۱۵) نیز مشخص نمودند که مشکلات مالی و زیرساختی از جمله مسائل مهم در توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی دارد. با توجه به ماهیت دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش در کشور ایران، برخی موانع در این مسیر سبب ایجاد اختلالاتی برای این دوره‌ها می‌گردد. به نظر می‌رسد در مسیر توسعه این دوره‌ها، موانع مختلفی در تمامی ابعاد از جمله امکانات، زیرساخت‌ها، مدیریت، فرهنگ‌سازی، آموزشی، مالی و فردی وجود دارد. این مساله اهمیت بررسی و تحقیق در جهت شناسایی و برنامه‌ریزی در خصوص موانع موثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که موانع آموزشی و مدیریتی نقش مهمی در شکل‌گیری سایر موانع در مسیر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش را دارا بود. پوماهاسی و سوپا (۲۰۱۷)، بریانت، بولتون و فلمینگ^۱ (۲۰۱۵)، ماتینز^۲ و همکاران (۲۰۱۶) و دی‌مستر^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقات خود به نقش مسائل آموزشی در بهبود دوره‌های فوق‌برنامه اشاره داشتند. موانع آموزشی ضمن تاثیرگذاری بر برخی جنبه‌های مهارتی و فرهنگی در خصوص دوره‌های فوق‌برنامه، می‌تواند سبب تاثیرگذاری بر دستیابی به اهداف دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش گردد. به نظر می‌رسد عدم توجه به مسائل آموزشی از جمله بهبود مهارت‌های ورزشی دانش‌آموزان و همچنین عدم وجود استانداردها و سیستم استعدادیابی مناسب در ارتباط با دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب گردیده است تا کارکردهای ورزش در آموزش و پرورش به خوبی مورد بررسی و شناسایی قرار نگیرد. این مساله سبب می‌گردد تا برخی مشکلات دیگر از جمیع معضلات فرهنگی و مالی در این حوزه خود را نشان دهد.

آزمون (۱۳۹۱) در کتاب خود مشخص نمودند که زیربنای تمامی برنامه‌های ورزشی در مدارس، مسائل مدیریتی می‌باشد. مومنی (۱۳۹۵) مشخص نمودند که خلا مدیریت مناسب در ورزش آموزش و پرورش مشهود می‌باشد. از طرفی لیانگ و یوان^۴ (۲۰۱۷)، پوماهاسی و سوپا (۲۰۱۷) و کوهن^۵ و همکاران (۲۰۰۷) اشاره داشتند که مسائل مدیریتی نقش مهمی در بهبود و گسترش دوره‌های فوق‌برنامه در آموزش و پرورش دارد. مسائل مدیریتی و نظارتی سبب می‌گردد تا رویه‌های منظمی جهت توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی ایجاد گردد. نظارت بر برنامه‌های ورزشی در مدارس سبب می‌گردد تا واقعیت‌ها در این حوزه بر افراد شفاف نگردد. به نظر می‌رسد موانع مدیریتی از جمله عدم وجود نظارت‌های مناسب بر دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب می‌گردد تا چهره مناسبی از این دوره‌ها در جامعه به

^۱ Bryant, Bolton & Fleming

^۲ Martinez

^۳ De meester

^۴ Liang & Yuan

^۵ Cohen

وجود آید و از طرفی جنبه‌های منفی و مخرب این دوره‌ها مشخص نگردد. از طرفی عدم نیازسنجی از ذینفعان در جهت برنامه‌ریزی برنامه‌های ورزشی سبب می‌گردد تا میزان استقبال از این دوره‌ها به شدت کاهش یابد. رودریگوز و همکاران (۲۰۱۷) اشاره داشت که عدم نیازسنجی در طرح‌ریزی برنامه‌های ورزشی در مدارس سبب می‌گردد تا نتوان از پتانسیل‌ها و علائق موجود بهره‌لازم را برد. از این رو عدم نیازسنجی از ذینفعان سبب خواهد گردید تا گروه‌هایی از افراد از این دوره‌ها استقبال نکنند. همچنین این مساله سبب می‌گردد تا برخی پتانسیل‌های موجود در ورزش آموزش و پرورش مورد استفاده قرار نگیرد.

از طرفی تحقیق حاضر نشان داد که موانع فردی و موانع زیرساختی؛ جز موانع پیوندی می‌باشد که خود سبب شکل‌گیری سایر موانع می‌گردد. در این بین لازم به ذکر است که میزان تاثیرگذاری موانع فردی و زیرساختی کمتر از موانع مدیریتی و آموزشی می‌باشد. مومنی (۱۳۹۵) در کتاب خود مشخص نمود که مسائل زیرساختی مهم‌ترین نقش بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش را دارد. الکساندر و ولادیسلاو^۱ (۲۰۱۵) اشاره داشتند که تغییرات سبک زندگی در میان دانش‌آموزان سبب گردیده است تا میزان استقبال از برنامه‌های ورزشی مدارس کاهش یابد. از طرفی رورتر^۲ و همکاران (۲۰۱۴) پی بردند که مشکلات زیرساختی و نبود برنامه‌ریزی مناسب در خصوص رفع آن سبب گردیده است تا میزان دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی با مشکلاتی جدی رو به رو گردند. به نظر می‌رسد موانع فردی و زیرساختی سبب می‌گردد تا میزان انگیزش دانش‌آموزان به ورزش به حد زیادی کاهش یابد. این مساله سبب می‌گردد تا نتوان به شکل مناسبی فرهنگ‌سازی در مسیر دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی را ایجاد نمود. از طرفی این کاهش انگیزش سبب می‌گردد تا منابع مالی به صورت مناسب در اختیار مدارس در جهت پیاده‌سازی اهداف خود از دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی قرار نگیرد.

با توجه به اهمیت دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، موانع مختلفی در مسیر توسعه این دوره‌ها وجود دارد. کارکردهای این دوره‌ها در راستای فرهنگ‌سازی ورزش و توسعه سطوح مختلف ورزش سبب گردیده است تا برنامه‌ریزی در جهت رفع موانع توسعه این دوره‌ها، ضروری گردد. با توجه به اهمیت موانع مدیریتی و آموزشی، به نظر می‌رسد، ایجاد نظارت‌های مناسب از این دوره‌ها و عدم اکتفا به عکس و اخبار غیرواقعی در خصوص فعالیت‌های انجام گرفته شده در این دوره‌ها، سبب خواهد گردید تا فعالیت‌های انجام گرفته شده در این دوره‌ها، رنگ و بوی حقیقی به خود گیرد. از طرفی بهبود توجه به مهارت‌های دانش‌آموزان در این دوره‌ها و ارائه آموزش‌های مناسب به آنان مطابق با استانداردهای موجود سبب خواهد گردید تا بتوان بعد آموزشی این دوره‌ها را تقویت نمود. از طرفی ایجاد سیستم استعدادیابی در این دوره‌ها با تمرکز بر تمامی رشته‌های ورزشی سبب خواهد گردید تا بتوان با تقویت مسائل آموزشی در این حوزه، به تقویت این دوره‌ها در آموزش و پرورش اقدام نمود.

از طرفی برنامه‌ریزی در جهت تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان و ایجاد سیاست‌های انگیزشی در جهت افزایش مشارکت ورزشی دانش‌آموزان سبب خواهد گردید تا میزان استقبال از دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی افزایش یابد. در مسیر تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان نیاز به تحول فرهنگی مناسب و افزایش بی‌ظنیر نیروی‌های انگیزشی در میان آنان می‌باشد. از طرفی بهبود وضعیت امکان ورزشی آموزش و

^۱ Alexander & Vladislav

^۲ Reverter

پرورش و نظارت بر آنان در جهت تعمیر و عیب‌یابی این اماکن و تجهیزات آن سبب خواهد گردید تا نیازهای اولیه ورزش در آموزش و پرورش رفع گردد. با توجه به مشکلات موجود در مسیر ساخت امکان ورزشی جدید، نیاز است تا با ایجاد ارتباطات بین سازمانی از پتانسیل‌های سایر سازمان‌ها در مسیر رشد دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش بهره لازم را برد. به نظر می‌رسد بهبود وضعیت زیرساختی خود یک نیروی انگیزشی در مسیر استفاده دانش‌آموزان از دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی را ایجاد خواهد نمود. امید است نتایج تحقیق حاضر با ایجاد شفافیت‌های در خصوص مشکلاتی واقعی توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، بتواند به برنامه‌ریزی مناسب در مسیر رشد و تعالی ورزش در مدارس و بهره‌گیری از کارکردهای مناسب دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش گردد. با توجه اهمیت موانع آموزشی و مدیریتی نیاز است تا تحقیقاتی در این خصوص ایجاد گردد. از این رو پیشنهاد می‌گردد تا محققان در تحقیقات خود به نیازسنجی بهبود وضعیت مدیریتی در آموزش و پرورش جهت توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در میان معلمان اقدام نمایند. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا تحقیقاتی به نیازسنجی در خصوص نوع فعالیت مورد علاقه معلمان و شدت و نحوه انجام آن در دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی آنان اقدام نماید. همچنین با توجه به اهمیت درک وضعیت موجود در خصوص دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در میان معلمان، نیاز است تا تحقیقی به بررسی وضعیت موجود و مطلوب دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش پردازد.

منابع

- آزمون، جواد. (۱۳۹۱). *تربیت بدنی در مدارس*، انتشارات ورزش، چاپ اول. تهران.
- حمیدی، مهرزاد؛ وحدانی، حسن؛ خبیری، محمد؛ علیدوست، ابراهیم. (۱۳۹۶). تدوین استراتژی های تربیت بدنی و فعالیتهای ورزشی وزارت آموزش و پرورش، *خانواده و پژوهش*، ۱۴(۳۴)، ۳۳-۵۰.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن؛ نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۶). مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، *مطالعات ملی*، ۱۸(۲)، ۲۵-۴۴.
- مومنی، محسن. (۱۳۹۵). *کتاب پژوهش در تربیت بدنی مدارس*، مطالعه موردی هنرستان های تربیت بدنی، انتشارات مینوفر، چاپ اول، تهران.
- Alexander, B., & Vladislav, B. (۲۰۱۵). Structure and content of the educational technology of managing students' healthy lifestyle. *Journal of Physical Education and Sport*, ۱۵(۳), ۳۶۲.
- Bryant, A., Bolton, N., & Fleming, S. (۲۰۱۵). *Extracurricular sport and physical activity in Welsh secondary schools: Leisure lifestyles and young people*.
- Chalip, L. (۲۰۰۶). Toward a distinctive sport management discipline. *Journal of Sport Management*, ۱, ۲۰-۲۱.
- Christensen, M. K., & Sørensen, J. K. (۲۰۰۹). Sport or school? Dreams and dilemmas for talented young Danish football players. *European Physical Education Review*, ۱۵(۱), ۱۱۵-۱۳۳.
- Cohen, D. A., Taylor, S. L., Zonta, M., Vestal, K. D., & Schuster, M. A. (۲۰۰۷). Availability of High School Extracurricular Sports Programs and High-Risk Behaviors. *Journal of School Health*, ۷۷(۲), ۸۰-۸۶.
- Dagkas, S. (۲۰۱۸). "Is social inclusion through PE, Sport and PA still a rhetoric?" Evaluating the relationship between physical education, sport and social inclusion. *Educational Review*, ۷۰(۱), ۶۷-۷۴.
- De Meester, A., Cardon, G., De Bourdeaudhuij, I., & Haerens, L. (۲۰۱۷). Extracurricular School-Based Sports as a Stepping Stone Toward an Active Lifestyle? Differences in Physical Activity and Sports-Motivation Between Extracurricular School-Based Sports Participants and Non-Participants. *Journal of Teaching in Physical Education*, ۳۶(۴), ۴۸۵-۴۹۷.

- Dieringer, S. T., & Judge, L. W. (۲۰۱۵). Inclusion in extracurricular sport: A how-to guide for implementation strategies. *Physical Educator*, ۷۲(۱), ۸۷.
- Guest, A. M. (۲۰۱۸). The social organization of extracurricular activities: Interpreting developmental meanings in contrasting high schools. *Qualitative Psychology*, ۵(۱), ۴۱.
- Gutiérrez, M., Gil-Madrona, P., Prieto-Ayuso, A., & Díaz-Suarez, A. (۲۰۱۷). Appropriate behaviours in physical education and the sport at school and validation of the questionnaire. *Cuadernos de Psicología del Deporte*, ۱۷(۲), ۹۹-۱۱۰.
- He, M., Xiang, F., Zeng, Y., Mai, J., Chen, Q., Zhang, J., ... & Morgan, I. G. (۲۰۱۵). Effect of time spent outdoors at school on the development of myopia among children in China: a randomized clinical trial. *Jama*, ۳۱۴(۱۱), ۱۱۴۲-۱۱۴۸.
- Heinze, K. L., & Zdroik, J. (۲۰۱۸). School board decision-making and the elimination of sport participation fees. *Sport, Education and Society*, ۲۳(۱), ۵۳-۶۷.
- Iwasaki, Y., Nishino, H., Onda, T., & Bowling, C. (۲۰۰۷). Research reflections on leisure research in a global world: Time to reverse the western domination in leisure research? *Leisure Sciences*, ۲۹، ۱۱۳-۱۱۷
- Kirk, D. (۲۰۰۵). Physical education, youth sport and lifelong participation: the importance of early learning experiences. *European Physical Education Review*, ۱۱(۳), ۲۳۹-۲۵۵.
- Liang, H., & Yuan, Y. (۲۰۱۷). Optimized Organization Mode about College Girls Participating in Extracurricular Sport and Healthy Life. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, ۱۳(۸), ۵۱۵۷-۵۱۶۴.
- Martinez, A., Coker, C., McMahon, S. D., Cohen, J., & Thapa, A. (۲۰۱۶). Involvement in extracurricular activities: Identifying differences in perceptions of school climate. *The Educational and Developmental Psychologist*, ۳۳(۱), ۷۰-۸۴.
- Massey, W. V., Whitley, M. A., Blom, L., & Gerstein, L. H. (۲۰۱۵). Sport for development and peace: a systems theory perspective on promoting sustainable change. *International journal of sport management and marketing*, ۱۶(۱-۲), ۱۸-۳۵.

- Meier, A., Hartmann, B. S., & Larson, R. (۲۰۱۸). A Quarter Century of Participation in School-Based Extracurricular Activities: Inequalities by Race, Class, Gender and Age?. *Journal of youth and adolescence*, ۱-۱۸.
- Pomohaci, M., & Sopa, I. S. (۲۰۱۷). Extracurricular Sport Activities and their Importance in Children Socialization and Integration Process. *Scientific Bulletin*, ۲۲(۱), ۴۶-۵۹.
- Rainer, P., Griffiths, R., Cropley, B., & Jarvis, S. (۲۰۱۵). Barriers to Delivering Extracurricular School Sport and Physical Activity in Wales: A Qualitative Study of ۵x۶۰ Officers' Views and Perspectives. *Journal of Physical Activity and Health*, ۱۲(۲), ۲۴۵-۲۵۲.
- Rettig, J., & Hu, S. (۲۰۱۶). College sport participation and student educational experiences and selected college outcomes. *Journal of College Student Development*, ۵۷(۴), ۴۲۸-۴۴۶.
- Reverter, M., Plaza, M., JovéDeltell, M. C., & Hernández, G. (۲۰۱۴). Extracurricular physical and sports activities in elementary students: the case of Torrevieja (Alicante). RETOS-Nevas Tendencias en Educacion Fisica, *Deporte y Recreacion*, (۲۵), ۴۸-۵۲.
- Rodrigues, D., Padez, C., & Machado-Rodrigues, A. M. (۲۰۱۷). Active parents, active children: The importance of parental organized physical activity in children's extracurricular sport participation. *Journal of Child Health Care*, ۱۳۶۷۴۹۳۵۱۷۷۴۱۶۸۶.
- Trudeau, F., & Shephard, R. J. (۲۰۰۸). Physical education, school physical activity, school sports and academic performance. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, ۵(۱), ۱۰-۱۹.
- Wang, G., Pratt, M., Macera, C.A., Zheng, Z.-J., & Heath, G. (۲۰۰۴). Physical activity, cardiovascular disease, and medical expenditures in US adults. *Annals of Behavioral Medicine*, ۲۸, ۸۸-۹۴.